

نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۲ - تیرماه ۱۳۵۵

پیروزی باد مبارزه طبقه کارگر

برای دستمزدهای عادلانه

سال سابقه خدمت دارند و از مهارت نسبی کافی برخوردار می باشند محققاً ماهانه شان از ۲۰ تومان در ماه به زحمت تجاوز می کند . به عبارت دیگر اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان بقیه در صفا ۲

در این شماره

- ۱- پیروزی باد مبارزه طبقه کارگر ایران برای دستمزدهای عادلانه
- ۲- خلق همان بنفرد حق البانیه خود طبقه تجاوزکاران ادا می دهد
- ۳- نهضت ترقی طلبی بجای آن در جنبش عمومی دموکراتیک و صهیونی خلق
- ۴- هجوم و شمشانه ساواک به قصد کشتار و خالی کردن
- ۵- انصباب پر تلخین کارگران چیست سازی تهران
- ۶- سازمان شاه اسلحه می خورد
- ۷- از رویه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۸- وضع کارگران در جنوب کرمان
- ۹- وضع اسفند بار کارگران سنتسی
- ۱۰- دو گزارش از شرایط زندگی و مبارزات کارگران دوی آلمان اصفهان
- ۱۱- سرود بیستون مشهوری از خسرو گلسرخی
- ۱۲- رویدادها

دست در هم تجاوزگر شاه
از ظفر کوتاه!

خبر عایی که از مراسم کسروی رسد حاکی از آن است که کارگران و زحمتکشان که از ناچیز بودن حقوق و دستمزدها در مقابل هزینه گزینگی زندگی به جان آمده اند ، بویه خاطر به دست آوردن حق مسلم و پایمال شده خویش به پا خاسته اند . اما این مبارزه عادلانه و قانونی موجب عکس العمل خشن و بی شرمانه شاه دیکتاتور گردیده و تمام دستگاه تضییق و فشار دولت و در رأس آن سازمان جنایتکار امنیت برای سرکوب جنبش کارگری به خدمت گرفته شده است البته در قانونی بودن و عادلانه بودن مبارزه کارگران هیچ گونه تردیدی نمی آید و وجود داشته باشد . نتایج مختصر به شرح دستمزدها در کشور و تقایسه آن با هزینه زندگی که در آن هزینه مسکن و خوراک و پوشاک و درمان جای ویژه را دارد ، برای اثبات این واقعیت کافی است .

در نخستین روزهای فروردین ماه سال جاری شورای عالی کار و فشار کارگران بالاخره مجبوره تجدید نظر در حداقل دستمزدها شد و باینکه آن تقریباً مقطوع دو تومانی نسبت به دستمزدهای سال گذشته کوشید مسئله را خاتمه یافته جلوه دهد . اینک در مذاکرات یک کشور حداقل دستمزدها ۱۵۲ ریال و در مذاکرات دوی برابر ۱۴۱ ریال است . ضمناً بسیاری کارفرمایان سود و بهاتهای وزارت کار ترتیبی داده اند که این حداقل دستمزدها تقلید ناپا به کارفرمایان و غیره مربوط می گردد ، ضمناً دستمزدهای و حقوق اکثریت کارگران را تشکیل می دهد . در بسیاری از کارخانه های بزرگ کشور حتی کارگرانی که چندین

خلق عمان

به نبرد حق البانیه خود علیه تجاوزکاران ادا می دهد

دو سال و چند ماه از تجاوز و شمشانه حکومت ایران به عمان می گذرد ، مقامات ارتشی ایران در مراسم یاد بود کشته شدگان ارتش که دو سال بر پای می شود اقرار کرده اند که شصت نفر افسران در عمان کشته شده و بنا بر روند رجزاً روزنامه لوموند چاپ پاریس علاوه بر این که در حدود صد و شصت نفر هم درجه دار از پای درآمدند . بدیهی است که شماره واقعی کشته شدگان خیلی بیش از این است . حکومت ایران مدت دراز تر تجاوز ارتش ایران را به عمان پنهان کرد و وقتی دید پیروزی بر نیمی از آزادی بخش خلق عمان به ایمن زودی با اذان پذیر نیست و کار به درازا کشید ، ناچار به دستگاه ای تبلیغاتی خود اجازه داد که مدافله نظامی ایران را در عمان فاش کند منتها به آن صورت حق به جانب بدست . روزنامه های مزدور ادا گرداننده قاپوس از ایران و استارک شده تاضی شورشیان و شی راکس می خوا ند تنگ و مزرا به خطراند از سرکوب کنند و از ضایع مردم ایران دفاع نمایند .

به دنبال افشای تجاوز ایران به عمان مرتباً انبیا و ایان کار سرکوب شورشیان و تشکرات سلان قاپوس از دولت ایران حداقل روزنامه ارا بر کرد . اما میزان تازه به تازه نیروها ارتشی هر سیدن ا بارنا کوار مردم افسران و سربازان به خانواده های آن ها سر یازد زدن پاره ای از افسران بقیه در صفا ۲

ایران به جنگیدن با مردمی که در خاک میهن خود برای استقلال و آزادی خویش در شریایت بسیار دشوار نیروی کینه امیر شدن کسانی مانند اشرفیان که گونگسی لغزاف افراد ارتش را به عمان تان و اضافه بودن دروغ باغ شاد دار حکومت ایران را یعنی بر این که ضعیف شهری و ضعیف تنگ بر مرز و امنیت خلیج را به خطر انداخته اند به بر ملا ساخته اند ؟ و سرانجام مقاومت علیه خلق عمان که زبهری زبهری چه بد خلق برای آزادی عمان مبارزه می کند و نبرد او علیه نیروهای متجاوز ایران و انگلستان واردن و ارتش مزدور قاپوس عمان ادامه دارد و همه این ها نشان داد که تجاوزکاران خارجی تاکنون نتوانسته اند به هدف های خود برسند .

در واقع هدف های حکومت پیدادگر ایران سرکوب جنبش آزادی بخش در عمان و تصرف عظمی این کشور و کمک به بقای نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم انگلستان و امپریالیسم در عمان و کناره بردن آن که جزئی از نقشه وسیع استقرار پایگاه های نظامی امپریالیسم امریکایی و به اورکی سازمان اتلانیتیک شمالی در اقیانوس هند و خلیج فارس است و نشان دادن شایستگی حکومت استبدادی محمد رضا شاه در ایفای نقش زاندارم منطقه و داشتن مقام زبهری در خلیج بود و نفوذ هم می باشد اما جریان حوادث نشان داد که رسیدن به این هدف ها آکارسانی نیست و بر او بالا رزندگان عمان با وجود تمام مشکلات تاکنون ایستادگی دلیرانه ای کرده اند و نبرد را با سرسختی تمام ادامه می دهند و تا نهایتاً به ما و تجاوزاتی که نیروی متجاوز ایران به جمهوری - دموکراتیک یمن برای خود داری از تک به رزندگان عمان کرد نیز موثر نیافتاد و ثالثاً دولت مستقیم ایران در امر داخلی عمان و نفوذ همه خلق های عرب و در درجه اول خلق های عرب خلیج را علیه حکومت متجاوز ایران برانگیخت و راپنا بخشی از دولت های عربی منطقه خاور میانه نیز از خاور نیرو ای ایران در عمان و در نزدیکی مرز های آنان ناخشنود شده اند و قاپوس رانیز فشارتسوار داده اند که عذر ارتش ایران را بخواهد از جمله باید عربستان سعودی را نام برد که ارتش ایران در بخش مهمی از عمان تا مرز های آن کشور پیش رفته است . عربستان سعودی که خود مدعی ربری در خلیج است از وضع موجود ناراضی است و تاکنون کوشش های دولت ایران برای متقاعد کردن این کشور به قبول و تأیید تمرکز نیروهای ایران در عمان بی نتیجه ماند . بدیهی است که ناخشنودی دولت های نظیر عربستان سعودی از وجود نیروهای ایران در عمان نه به خاطر آنکه بد جنبش آزادی بخش عمان است و بلکه به علت رقابت با ایران در مسئله زبهری خلیج از سویی و اعتماد خلق های عرب به وضع موجود از سوی دیگر است .

شاه ایران که از درک تحول سریع اوضاع جهان بصورت چنین های خفنی و تغییر تناسب قوا به سود صلح و سوسیالیسم و دموکراسی و به زبان امپریالیسم عاجز است و ماجرا و پیانه به پشتیبانی امپریالیسم دست به این گونه اقدامات تجاوزکارانه می زند . ولی تردیدی نیست که سرانجام این بلند پروازی ها جز شکست و ناکامی چیز دیگری نخواهد بود .

شاه خیال برور با صرف لیارد تا دلار در آمد کشور در راه تبلیغات و کشتن یک ارتش تجاوزگر و هوا این تصور باطل که پشتیبانان امپریالیست او قادر به هر کاری هستند و دست به یک سلسله ماجراها زد که از جمله تجاوز به مرز های عراق و تهدید به تصرف بلوچستان پاکستان و لغزاف ارتش به عمان .

در مورد اول گفتگوش به سینه خود و به هدف های خود نرسید . در مورد عمان هم چنین خواهد شد . ارتش ایران باید خاک این کشور را ترک کند . درجه در این کار تاخیر شده به زبان بیشتر مردم ایران و موجب تشدید تنگ و نفرتی است که هم اکنون در جامعه کشورهای عربی نسبت به حکومت تجاوز کار ایران وجود دارد .

نقل از روزنامه مردم هارگاس
کمیته مرکزی حزب توده ایران
شماره ۱۵۴

بهر روز با مبارزه طبقه کارگر ... بقیه از صفحه ۱
شامل در میهن ما بین ۲۰ تا ۲۵۰ توان در ماه حقوق می گیرند . حدود نیمی از این حقوق برای کراپ اتانکی به نام مسکن می رود و بقیه باید هزینه رفت و آمد مخبراک و پوشاک و درمان و آموزش تمام خانواده را تامین کند . بیروشن است که تقریباً تمام خانواده های کارگری با وضع کنونی درین بستر واقعی هستند و در هر فقره به سر می برند و و پایه وسایل مبارزه کارگران را برای دستسزد و حقوق عادلانه وجود این مرز غیر قابل تحمل تشکیل می دهد . اما جنبش کنونی کارگری در میهن ما با دشمنی جنایتکار و وقیح و بی اعتنا به ابته این ترین حقوق روبرو است و اگر بسته به شرایط روز با دشمنی از تمام امکانات خود استفاده نکند بسیار افکار خواهد داشت آن را سرکوب نمایند .

نکته عمده این است که توده های وسیع کارگر و زحمتکنان آن بنا که کن است به هر دسته جمعی و متنگل برای تحقق خواست های خود مبارزه کنند . باید آن جهان خواست ای را مطرح کرده در واقع بیان کنند دردمشترک تمام کارگران یک کارخانه و کارگاه باشند که همه از جان و دل از آن پشتیبانی کنند . در شرایط موجود با حوصله و پشتکار و کار توفیقی لازم می توان کارگران این کارخانه یا آن کارگاه را برای تحقق خواست های معین و مشخص متحد کرد .

نهضت مترقی مذهبی

و جای آن در جنبش صومالی و مرکز ارتش و سپه‌سالار

جنبش صومالی خلق ایران طبعاً از خونین محمد رضا شاهی و طبعاً سلطه امپریالیسم و فطرت سپهر ما و طبعاً خاطر آزادی و استقلال و بهرزی از گردان ما و نیرو ما

تعدد دی ترکیب یافته که گروه مذهبی شرقی در آن جای شایسته ای خویش را دارد. مردم ایران شاهدند که صدای از برجسته ترین رهبران مذهبی طبعاً سیاست های سپهر فرزانه را در دست شاه و طبعاً خود سری ها و بی قانونی های ساواک و طبعاً فساد و تباهی ناپدید کنند مای که این رژیم در سپهر ما می گستراند و قطع گردماند. مردم شاهدند که مراکز مذهبی و حوزه های طبعاً به مراکز نبرد و حق ملی بدل شده و جوانان پرشوری که از اندیشه های ساواک طلبانه عدالت خواهی و پاکیزگی اخلاقی اسلام الهام می گیرند گام درجاده نبرد نهاده و چه بسا که به مقام شهادت می رسند.

ماهیت رژیم حاکم بر کشور و سیاست های سرکوب کننده مخالفان و تجاوزگر و تباهی آوران خود موجب تقویت نهضت شرقی اصلا می و ریشهای شدن آن می گردد. در واقع اگر قشری از روحانی نمایان وابسته به ساواک و تشنه پول اند و در نقطه مقابل آنان در سپهر ما قشری از مذهبی مترقی پیدا شده و تشنگی یافته و نفوذ فزاینده می یابند که طبعاً در ظهور خروانی آن خلاصی می کنند بلکه دسته اصلی آن را بر حسب سنت ائمه مقاوم و مبارزی و طبعاً شیمه چون علی و حسین و زهرا و جفا در دروازه عقیده طبعاً ظلم و فساد و طبعاً دست نشاندگی و ذاکاری می دانند. اینان همانند علی و حسین و با الهام از ایثار فراموش نشدنی آنان هکر جهاد و نبرد می بندند و خطرات و صدمات این نبرد را به جان می خورند تقیه و تسلیم را در برابر جبار و زورگو و فاسد جایز نمی شمارند. بسیاری سپهر بر حقیقت معتقد به طبعاً که سنسن و مرکز ارتش و اسلام و به طبعاً هم و در تشیع و به ویژه و راهبرجت مستنوده و آموزش آنرا به یک ایدئولوژی و مبارک جویانه بدل می کنند و بر این اساس فکری به نام آوری رژیم ضد ملی و ضد مرکز ارتش شاه می روند و تا جایی که برخی از آنان حتی بین اصول آموزش اسلام و مارکسیسم تناقضی نمی بینند. همه این دستجات در عمل در صفا خلق قرار می گیرند و به سود خلقی و به سود حقیقت می ریزند. در واقع امروز دیگر روش و عمل معتقدان به طبعاً در صفا اجتماع در قید و بند نیات و اهداف طبقات استثمارگر و به طبعاً حاکمه و آن کسانی که می خواهند از این معتقدات به سود افراطی تشنگی ایقناتی خویش صفا استفاده کنند محصور نمی ماند.

مسئله مهم دیگر مصیبتی کارگران است. ملاحظه فرمایید این که کارگران یک کلرخانه برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و زندگی خود دست به مبارزه بزنند و این که کارگران تمام کارخانه های تهران برای تحقق این خواست مصون به پا بزنند. زمینه کنونی برای تحقق این مصیبتی نیز بر اثر سیاست ظلم اقتصادی و تشنگی های بی روی رژیم شاه برای طبعاً بر بحران اقتصادی و کنونی وجود دارد. به دنبال کشمکش هایی که جهان دستگاه دولت و ملاحظه کاران از دست ما پیش وجود داشت و نیز چهارشنبه ۲۱ آره بهشت جدیدی و رئیس سازمان برناضی بودند و دستمزد های کارگران ساختمانی را که دولت بر اساس آن ها به ملاحظه کاران پول می پرداخت اعلام کرد. در این شهرت برای کارگزاران ساختمانی روزی می تومان و سرافا بقیه به ترتیب چهل و پنج نجاه شخصاً صد و بیست تومان برای آرماتورچی مخصوص پیش بینی شده است. وقتی خود دولت می تومان مزد روزانه را برای کارگر ساختمانی به رسمیت می شناسد و آیا می توان کارگران را واداشت که در کارخانه ها با نصف آن کار کنند؟ چه طور می شود که مزد یک جوشگر نزد ملاحظه کار هفتاد تومان و در کارخانه کمتر از نصف آن باشد؟ وقتی یکی از سفول ترین ارگان های دولت اختیاری می کند که در آن دستمزد ای پانزده تومانی سپهری شده و خود ن تا صد و بیست تومان مزد روزانه برای کارگر ساختمانی به ملاحظه کار می پرداخت و نمی توان سیاست شاه را به کارگران کارخانه ها تحمیل کرد و کوچک ترین افزایش مزد پانزده تا بیست و پنج تومانی آنان را به نام اصلاح به بهرزی کاره یعنی تشدید بهره کشی وابسته کرد و توجه نداشت که کرایه یک اتاق سید تومان و سبب زمین و بهازگیل می پنج تومان است.

مبارزه کنونی کارگران برای افزایش دستمزد ما ناشی از توقعات زیادی نیست بلکه از شرایط طاقت فرسای زندگی ناشی می شود. اگر این مبارزه به راستی همه گیر و سازمان یافته باشد سرکوب آن برای شاه و دولت امکان پذیر نخواهد بود.

سرمله نیروی است جهانی. برای بهرزی بر این نیرو اتحاد جهانی کارگران و برادری آنان در طبقات جهانی ضروری است. نشین

برای کمونیست‌ها اصل این است که اختلافات فلسفی و
 نمی‌بایست مانعی بر سر راه مبارزه مشترک زحمتکشان به
 خاطر ضایع و آرمان‌های مشترک شان گردد. لنین نوشته
 است: "وحدت در مبارزه و اقامه انقلابی اولیه زحمتکشان که
 برای ایجاد بهشت پروری زمین می‌رزد، برای مابقی پیش از
 وحدت عقیدتی پرولتاریا در زمینه بهشت آسمانی اهمیت
 دارد."

برای مائودهای ما که مرکز عقاید فلسفی و سیاسی و
 اقتصادی خود را نپوشانده و می‌دانیم که در یک سلسله از
 نظریات، اختلافات مسلکی با نیروهای انقلابی دیگر داریم و
 آنچه مطرح اساسی است این اختلاف نظر نیست، بلکه
 وحدت عمل در از دست‌بوسی بین مارکسیست‌ها و صلحانان
 و همه گوران‌های مختلف نهضت استقلال طلب آزادی خواه
 است که آنرا ممکن و نیروی و حیاتی و وظیفه مهم‌ترین
 می‌شمریم. اگر با واقع بینی بنگریم، مارکسیست‌ها و -
 صلحانان دو بخش‌دهنده این نهضت‌اند. اگر دشمن بتواند
 بین این نیروی مهم انقلابی شکاف و نفاق بیاندازد و مانع
 ستفکرانه و صمیمی بریادده خود را تقویت کرده است، و اگر
 نتواند دچار باخت صبی شده که می‌تواند سرانجام برای
 مهلك باشد. اگر انقلابی راستین هستیم، باید برای وحدت
 درازد اختلافی علیه رژیم ضد خلقی و ضد ملی و آنگن و
 فاسد شاه بکشیم. باید از سیما‌های تابناک مبارزان راه دین
 الهام بگیریم تا به هدف مشترک صمیمی و موکراتیک خویش
 برسیم.

اطلاعیه

شخصی به نام کاوس صاحب و کارمند وزارت دادوستوی و
 ادعای کند که به حزب توده ایران وابستگی دارد. به اطلاع
 می‌رسانیم که این فرد از کارگزاران ساواک و از همکاران نزدیک
 عباس شهریاری است. ما افراد مبارزان از این فرد بزرگ
 می‌داریم.
 به مضمون این الحقیه راه همه دوستان و آشنایان
 بگویند و کاوس صاحب و کارگزار سازمان امنیت را به عموم
 معرفی ننمایند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اتحاد عمل همه رزندگان ضد رژیم
 شرط نخستین یک یک کار راستین
 و اثر بخش است. ستیزه افکنی
 در میان نیروها، به طور عینی
 اقدامی است به سود رژیم.

زحمتکشان و ترقی خواهان، ما هم از فلسفی و غیران ما هم
 از کمونیست یا صیخی، مارکسیست یا سلطان -
 سوسیالیست یا بودایی صرف نظر از تفاوت‌های فلسفی و
 مسلکی خود دست برداری و همکاری می‌دهند.
 مسئله همکاری و پیوند بین ما، صیخون و مارکسیست‌ها
 اینک دیگر در قیاس جهانی یک مسئله روز شده و وجه
 مشخصه نیروها و وحدت عمل‌های پرشوری را تشکیل
 می‌دهد.

در نبودن‌های بزرگ، تاریخی شد امپریالیستی زمان ما
 نظیر نیرو خلیج، های هند چین و خلق فلسطین و چین
 در مبارزات بزرگ لیکتاتی نظیر آنچه در فرانسه، ایتالیا و
 اسپانیا می‌گذرد نمونه‌های درخشانی از وحدت عمل
 میان مارکسیست‌ها و فلسطین به چشم می‌خورد.
 برقراری کمونیسم، این ایده نولوزی امپریالیستی و
 شکست خوردن مفروض می‌شود و وحدت عمل بین مارکسیست
 ها و فلسطین به خاطر اهداف مشترک علیه دشمن مشترک
 محکم تر و اصولی تر می‌شود. در کشور ما نیز بر قدر تبلیغات
 ضد توده‌های و اتهامات دروغین دستگاه تبلیغاتی رژیم علیه
 مارکسیست‌ها بیشتر فایده می‌شود. ما شاهد نزدیکی و کار و
 فعالیت مشترک و وسیع تر همه گوران‌های جنبش صمیمی و
 ترقی خواه می‌شویم.

صلحان انقلابی و مارکسیست از آن جا که بود و -
 خواستار خاتمه دادن به استعمار و استبداد و مشتاق
 بهروزی خلق و ترقی کشور بوده و در وند آگاهی و یک
 را در راه خلق و صمیمی و وظیفه مقدس هریرانی می‌شمرند و
 دارای وجوه مشترک هستند. و هم این جا است که این
 وجوه مشترک نه در مسائل فرعی و گذرا، بلکه در مسائل
 اساسی و گرمی است. از این رو وحدت عمل ناشی از آن
 مستحکم، پر قدرت و دارای درونما و با آینده است.

واقعیت وضع چنین است که اتحاد صلحانان انقلابی
 و مارکسیست‌ها در شرایط کمونی تاریخی نه فقط ممکن بلکه
 نیرو است و یک مسئله مهم و واحد زمان ما است و یک وظیفه
 است.

رژیم شاه هم مارکسیست‌ها را سرکوب می‌کند و هم
 صلحانانی را که سنت مبارزه جوانانه همه المپاردا علیه جهورستم
 برجسته می‌کنند و طبعه بیزد زمان می‌رزدند.

مجاهدین خلق در نشریه خود به حق گفته‌اند و مائودها
 ما تأیید کرده‌ایم که:
 "صلحان انقلابی که در برابر بیداری رژیم و سر
 پاره کردن رژیم ای بر دگی استعمارنویین قد برافراشته
 در همان راهی گام بومی دارد که مارکسیست - لنینیست‌ها
 واقعی پیش گرفته‌اند.

مجاهدین خلق به درستی گفته‌اند و ما تأیید کرده‌ایم:
 "یک انقلابی مارکسیست مرکز نمی‌تواند دشمن یک
 انقلابی صلحان باشد."

هجوم وحشیانه ساواک

به قلم کنتار مخالفین

در خیابان امیرآباد تهران، در خیابان بوطی در نیمه شب اولی خرداد ماه حادثه تازان دهنده‌های روی داد که اهالی محل را به شدت متاثر کرد و خشم مردم را علیه وحشیگری های بی حد و مرز ساواک برانگیخت. در نیمه شب ماموران شهرستانی و ساواک ناگهان به خیابان بوطی ریختند و خیابان را محاصره کردند. گویا آن‌ها در جست و جوی یک خانه امن جریکی بودند. بر اثر سرچشمه‌ای آن‌ها بسیاری از اهالی محل بیدار شدند. یکی از جمله ایرای آگاهی اهلست شلوفی ناگهانی محله برخاست و به سوی خیابان خم شد ماموران به محض دیدن او، دسته جمعی به طرفش شلیک کردند. کاتر حیرت زده که طاعت هجوم سلحشانه رانمی دانست در خون خود فروطه و شد. رفقای دیگر او - وحشت زده به بالین ایشان شتافتند و در حالی که به شدت زاری می کردند و از وحشت فریادی می کشیدند مساواکی آنها را با مسلسل احاطه کردند و به خیال این که این جمع به هم ریخته و جریک‌هایی هستند که در فرارند از هر سو آتش مسلسل ایشان را به طرف آن‌ها گشودند. شنش کارگر عطله در این بیرون شبانه گشته شدند. هنگامی که نقاب مرگ چهره های زنجیریده آن‌ها را می‌پوشاند همچو حشمت زده و حیران نشان هنوز دچار ناباوری بود.

ساواکی‌ها برای پوئاندن جنایت و وحشتناک خود به نهایت خونسردی اجساد قربانیان را با خود بردند. هر یک از اهالی محل که برای اخلال از ماجرا وارد خیابان می شد یا از پنجره خانه خود سرش را بیرون می‌آورد یا تهدید اسلحه جلادان و وحشت زده به درون خانه پناهنده می شد. اتوبییل یکی از ساکنان محل بر اثر رگبارهای مسلسل مثل آنگن شد.

این جنایات علی‌رغم همه کوشش‌های ساواک برای پنهان کردن آن از پرده بیرون افتاد و توفانی از خشم مردم شنوندگان و شاهدان حادثه در خیابان بوطی آفرید.

این حوادث اطلاق و استتبابی نیست و حکایت از یک سیاست تعدی رژیم شاه برای احیاء جسمانی همه مخالفان سیاسی خود می‌کند. و برای این هدف در بارو سازمان امنیت به جلادان خود آزادی عمل نامحدود آزادی جنایت و آذگشی بی حساب داده‌اند. وقتی نخست وزیر شاه، جوید در صاحب‌های در وزارت اطلاعات به مذهبین خارجی می‌گوید که حکومت قصد دارد ریشه "توروسم" را برکند و بازتاب آن در عمل همین است که توروسم‌های واقعی و بعضی ساواکی‌ها و ماموران روزگار همه مردم برآورند.

جنایات سازمان امنیت و کشتار دسته جمعی مخالفین شبیخون زدن به خانه‌های مردم و بران کردن و ازین بیرون موج شدیدی از تاثر در میان وسیع ترین قشرهای مردم

هجوم وحشیانه و شبیخون سلحشانه سازمان امنیت به خانه های مردم و به قلم کنتار مخالفین و اهالی خانوادگی های آنان به مراتب وسیع تر از آن است که در روزنامه های مزدور تحت کنترل ضلعکس می‌شود.

سازمان امنیت شاه به عمال خود دستور داده است بدون بیم از رگونه بازخواست یا بررسی و رگسی را که دلشان خواست به نام جریک و خرابکار بکشند تا تخم هراس و وحشت پراکنند.

آذگشی کور و بی‌دین تعیین صحت و البته نشانی از ترس خود عمال ساواک است ولی در عین حال از صمیمیت رژیم دیکتاتوری مایه می‌گیرد که همه مردم ایران را بالقوه مخالفین خود می‌شمارد و خون همه کس را می‌چاهد.

در هجوم وسیع اخیر ساواک سعی شد مخالفان را بدون تامل قتل عام کنند و کسی را دستگیر نماند. روش - جنایتکارانه ساواک چندین فاجعه بزرگ ایجاد کرد. در یکی از حمله‌های ساواک در تهران به یکی از خانه‌ها به پدر جوانی کوشید تا شاید کودک خود را از زیر آتش دشمن نجات دهد. ماموران شاه پدر کودک را جابه‌جا گشتند و سپس او را کردند که گویا آن پدر جریکی بوده که گویا می‌خواستند کودک خردسال ناشناسی را وسیله فرار خود قرار دهد.

در قزوین به ماموران ساواک نشانی خانها و در کوجه بهرین داده بودند. آنان شماره پلاک خانه را هوشی گرفتند و به خانه همسایه هجوم بردند. هجوم با آتش مسلسل و گلوله باران آغاز شد. به اهالی خانه فرمان دادند که فوراً تسلیم شوند. در این خانه محسن حسینی و ناظم دستا مجد قزوین و همراه با همسر و مادر و سرزن زندگی می‌کرد. آن‌ها بی‌خبر از همه جا دست‌را به علامت تسلیم بالا گرفتند و از خانه بیرون آمدند ولی ماموران ساواک به جای دستگیری آن‌ها رسیدگی به موضوع آن‌ها را به گلوله بستند. حسینی و مادر زنش جابه‌جا گشته شدند. همسر حسینی زخمی شد. همه مردم قزوین از این فاجعه خبر دارند و به شدت از آن متاثرند.

بسیارند بی‌گناهیانی که از همه جا بی‌خبر و ناگهان مورد سوء ظن قرار می‌گیرند یا آن‌که ماموران ظنند و با فقط به علت آن که در محله یا کوچه‌های ساکنانند که عمال شاه گمانی برنند که باید در آن جا مبارزاتی خانه داشته باشند جابه‌جا گشته می‌شوند. توروسم‌های دولتی و جانبیان هر ضلعی یعنی عمال آذگش رژیم شاه هم برای پرده پوشی جنایات خود یا ادعا می‌کنند که این افراد هدف گلوله جریک‌ها قرار گرفته‌اند و مثل عبادت قزوین و بی‌آنها را خوب جریک قتل می‌کنند و مثل آذگش قتل پدر کودک و یا بعضی در پنهان کردن موضوع می‌نمایند. نمونه این روش‌های حادشای است که در زیر می‌خوانید:

اعتصاب کارگران

★ در کارخانه چیت سازی تهران ★

در برابر هجوم پلیس انضباط و نظم انتصابی خود را نشکستند و اعتصاب با نظم ادامه یافت. به کارگران محبوس در کارخان به اشکال گوناگون غذا رسانده شد. زنان و کودکان کارگران به کمک آنان آمدند و به این ترتیب جشن اول ماه به کارگران چیت سازی تهران در کوره داغ صابزه انتصابی و شرایط - دشواری پرشوری برگرداند.

اعتصاب کارگران چیت سازی تهران موجی از محردی در میان سایر کارگران ایجاد کرد. کارگران نساجی کشور و از جمله کارگران کارخانه های ممتاز روی جهان و اطلس و گلستان اقدامات موثری برای ابراز محردی به سه عمل آوردند. کارگران کارخانه ارج و شرکت واحد اتومبیلرانی تهران نیز محردی خود را اعلام داشتند. در کارخانه "ایران کاو" اعلامیه هایی پخش شد که کارگران را به محردی و همبستگی با کارگران چیت سازی تهران دعوت می کرد. همچنین دانشجویان نیز با کارگران ابراز محردی کرده و نیروی خود را برای کمک به آنان تجهیز نمودند.

روز چهارم اردیبهشت پلیس تدارک حطه بیکارخانه را دید. افراد پلیس در مقابل کارخانه پیاده روی خیابان آرامگاه موعز گرفتند و کوشیدند تا هرگونه تماس میان کارگران را با خارج از کارخانه قطع کنند و جلوی انتشار خبرهای اعتصاب را بگیرند. پاسپانان با ماسک و باتوم رویه سوی کارخانه صف کشیده بودند و اجازه نمی دادند که اعضای خانواده های کارگران که در اطراف کارخانه جمع شده بودند با کارگران انتصابی تماس بگیرند. در این میان پاسپانان کودک دوازده سیزده ساله ای را که در یک دستمال سرش گذا برای پدرش با برادرش می بود دستگیر کرده و به داخل یکی از کمانکارهای پلیس بردند.

سرانجام پلیس به داخل کارخانه ریخت. از حوادث درون کارخانه خبر درستی در دست نیست. ولی شاهدین

و نیم اول سال جاری بیش از سی نفر کشته شده اند. این جنایت باور نکردنی است و جنایتی است ناشی از وحشت نفرت و صادیسی ضد انسانی. این جنایت به هیچ وسیله ای و به طریق اولی با خطر منحل جرم قابل توجیه نیست. در پشت سر این جنایت با جنایت به ضافع طی، دزدی میلیاردری اموال عمومی و تلاش برای جلوگیری از تحویل و تکالیف و باید است.

در این شرایط محقر رحمت و قنولیت پیام اخیری که میته مرکزی، حزب توده ایران که همه مخالفان رژیم ترور و اختناق را به همکاری در یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای پایان دادن به این وضع فراخونده است همین از پیشروشن می گردد. تبه کاری های شاه از حد گذشته و باید ضحکا دست خونین جلا درآ قطع کرد.

در ماه های فروردین و اردیبهشت سال جاری جمعی حدود سی هزار کارگزار سی و شش واحد صنعتی در اعتصابات مختلف شرکت کردند که مهم ترین آن ها اعتصاب کارگزاران چیت سازی تهران بود که به مدت بیست روز ادامه داشت. کارگران کارخانه چیت سازی تهران از روز چهارم اردیبهشت دست به اعتصاب زدند. جریان اعتصاب و خواست های کارگران به شرح زیر است:

کارگران کارخانه چیت سازی تهران خواستار آن بودند که دستمزدها را متناسب با افزایش هزینه زندگی افزایش یابد و برای تامین مسکن آن ها اقدام شود. طبقه بندی مشاغل انجام گیرد و حق بیمه که اضافه بر میزان مسرور دریافت می شود کاهش یابد و استفاده ام کارگران رسمی شود و آنان از حقوق مستخدمین رسمی دولت بهره مند گردند. کارگران خواست های خود را به مقامات مسئول اطلاع دادند ولی توجهی به آن ها نشد و لذا کارگران از چهارم اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب آن ها متشکل به یک بارجه و محکم بود. همه کارگران هزینه نوبت کارخانه در این اعتصاب شرکت کردند. کارگران تصمیم گرفتند در سرکارها خبر شوند ولی کار نکنند. در نوبت از کارگران ماشین بارها تحویل نوبت پدید می داد تا محل کارخانه هرگز خالی نماند.

روزهای اول اعتصاب به دستور مدیر کارخانه های از مهندسی و کارمندان را پشت دستگاه های بافندگی گذاشتند ولی اعتراض شدیدی کارگران آنان را مجبور کرد که محوطه کارگاه را ترک کنند.

روز پنجمین به نام اردیبهشت ماه پلیس کارخانه را محاصره کرده و از هر چه کلر گزائی که در نوبت شب در کارخانه بودند و از ورود کارگران نوبت صبح جلوگیری نمود و بدین ترتیب کارگران نوبت شب در کارخانه محبوس ماندند. کارگران

بر آنکشته است. شاه و مددستان سازمان امنیتی او که هیچ گونه توجیه و توجیحی برای افعال جنایتکارانه خود ندارند دستور دادند در تمام روزنامه ها همزمان جنجالی در باره محردی به نام جرم چیست که یکی از همبران درجه دوم و کم نفوذ جبهه آزادی بخش فلسطین است برانگیزند و چنین وانمود سازند که گویا داری از طرف جنبش فلسطین کشور ما را تهدید می کنی.

از چند ده سال پیش که در باره پلیس همه جنایات ضد انسانی خود را در برنامه مقابل با خرابی ارج پنهان می کند به یک روز خطر شهری به یک روز خرابی به یک روز خطر نامر به یک روز خطر مرغان و یک روز خطر جسمی در مکرانیک بین و جنبش غفار را به رخ می کشد و خطر جرم چیست از همه ضحک تر است. در چند ماه اخیر کشتارهای بدون محاکمه و حتی بدون بازجویی به دست ناموران ساواک از حد گذشته و تقابل در یک ماه

وضع کارگران در جنوب کرمان

در بندر چاه بهار یکی از بزرگترین پایگاه های نظامی ایجاد می شود که طی وضع اسم ایرانی خود یکی از حلقه های زنجیر پایگاه های نظامی امپریالیستی را در اختیار می گیرد و در ارتباط با دریای عمان و خلیج فارس تشکیل می دهد. در ارتباط با با ساختن این پایگاه در شهر ای جنوبی کرمان نیز فعالیت های در زمینه راه سازی برای ایجاد ارتباط مطمئن تر با چاه بهار به چشم می خورد. اما وضع کارگرانی که در شهر های جنوبی کرمان و در راه سازی آنها کاری کنند نشان می دهد که در این شهر نیز مانند سایر نقاط ایران حتی قانون نافرمانی کار به شدت نقض می شود.

طبق مصوبات شورای عالی کار حد اقل دستمزدهای کارگران در استان بلوچستان و سیستان ۲۰ ریال در قبال هشت ساعت کار است. موافق قانون کار برای ساعات اضافه کاری باید ۳۵ درصد و برای روزهای جمعه ۱۳۵ درصد و بیشتر پرداخت گردد. اما در عمل دریافتی کارگران ساده هشت تومان و در دریافتی کارگران خردسال سه تومان است. کارگران ساده حد اقل ده ساعت در روز کاری کنند و اضافه کاری بعد از ده ساعت کار معمولی داده می شود. روزهای جمعه اگر کارکنند دستمزدهای معمولی و اگر کار نکنند دستمزدهای پرداخت نمی شود. برای تعطیل های استحقاقی سالانه حتی اول ماه و یا در موارد بیست و یک روز کارگر است به کسی حقوقی نمی دهند. اکثریت کارگران از هیچ گونه مزایایی برخوردار نیستند و تنها بعد از گذشتن یک سال کاری می دهند. در اوقات دولتی شهرهای جنوبی کرمان مرسو الکیه خدمتگزاران را به بنوعی می دارند و اگر اعتراض نمایند آنان را به اخراج و قطع امتیازات کارگری می کنند. در اوقات سخت و مضاربات کارگرانی وجود دارند که تنها ۲۴۰ تومان در ماه حقوق می گیرند و تازه حال هر چه مشکوکیتر و آند و نتیجه ای نداده است.

در شهرهای جنوبی کرمان حتی بچه های دو ساله نیز به کارگزار می شوند و حتی آنان را به کارهای خطرناک نیز وادار می کنند. مثلا در طی ماه سال گذشته شرکت راه سازی کوهدشت و کارگر سیزده ساله ای مامور گریس کاری زنجیرهای ماشین سه تنی بود به دون این که ماشین را متوقف کند. چند لحظه بعد آستین این نوجوان کارگر به زنجیر گیر می کشد و دستش از بازو قطع می گردد. سپس قطعه از توتیان به او می برد از بند و آخراش می کنند.

باز هم شاه اسلحه میخورد!

خبر زیر از روزنامه امریکایی هرالد تریبون است که باز هم از یک معاطمشکوک اسلحه میان شاه و انحصارات امریکا خبر داده است:

بنابه نوشته روزنامه مطلع امریکایی بهای درخواستی برای برون رفتن رادار ارکه به ایران تحویل می شود یک صد و هشتاد و هفت میلیون دلار تعیین شده. در حالی که همین هواپیما را وزارت دفاع امریکا در فروردشت میلیون دلار بهیمنی یک سوم بهای که به ایران می فروشد به پیمان ناتو پیشنهاد کرده. ولی ناتو هنوز حاضر به خرید آن نیست.

هرالد تریبون می نویسد که ده فروند از این نوع هواپیما برای ایران سفارش داده شده که جمعاً یک میلیارد و دشتصد و هشتاد و هفت میلیون دلار قیمت خواهند داشت. اولین سفارش این هواپیما برای ایران در سال پیش داد و در آن وقت بهای هر هواپیما صد و بیست و هفت میلیون دلار اعلام شده بود.

هرالد تریبون می نویسد که ایران با خرید این هواپیما ها کمک می کند که فدرال تولید آن اقامت شود تا شاید مقامات ناتو برای خرید تصمیم بگیرند.

برای این که تصویری از بهای این هواپیما بداند داشته باشیم یاد آوری می کنیم که مجموع تولید سالانه فروش کشور چه آن که صادر می شود و چه آن که در کشوری ماند بهر این نصف قیمت یک هواپیما است. و اگر همه ساختمان های بیرونی های مراکز کشور را بفروشیم بهر جهت ممکن است قیمت و فروند از این هواپیما به دست آید.

ماجرای نفتند که با سپاهان وارد داخل کارخانه به جان کارگران افتادند. عده زیادی از کارگران که شبانه از کارخانه رانده شده بودند قصد حرکت جمعی به سوی شمال شهر را داشتند اما تانک گوله امان نداد. خون و هوا کارگرها با آرامگاه را تلنگر کرد. بنا بر گزارشات رسیدن تا ده تن از کارگران گشته شدند. عده های مجروح گردیدند و بسیاری رانیز روانه بازداشتگاه های ساواک کردند.

خشم و انزجار همه کارگران را فرا گرفت. کارگران بسیاری از کارخانه های خیابان نری و جاده شاهه المظلم برای اعتراض به افعال وحشیانه پلیس و عده های ساواک کارگران قهرمان بهیمن سازی تهران دست از کار کشیدند. پلیس در اطراف این کارخانه ها نیز موضع گرفت و تاجند روز بعد همچنان کمانکارهای پلیس در خیابان های اطراف این کارخانه ها (از جمله کارخانه سیمان کارخانه سلیس و جیت سازی ری و چند کارخانه دیگر) مستقر بود.

گرچه اقتصا برونشهری بکنیر کارگران جیت سازی تهران را پلیس وحشی شاه جلاد به خاک و خون کشید تا ششیر آن صیق و شکر بود. آنگاه بی لبقاتی و نظام آهنیستن مبارزان اقتصای ستایش انانیز بود. موج وسیع اقتصا با و سایر اقدام های محدودی و همبستگی از آگاهی و بیداری باز هم بیشتر طبقه کارگر ایران و تشکل و سازمان یافتگی به از هم بیشتر آن حکایت می کرد.

و خراج اسفند پارکگران صنعتی

این وا تصبیات لرزاننده را در مورد وضع کارگران هنگامی می خوانیم که کشور به ظاهر قانون کار دارد محد اقل دستزد به طور رسمی اعلام شده و صحبت از تأمین اجتماعی بهیچه بیگاری و حفاظت و امنیت کار معد اکثر است. سخت کار روزانه و تعطیل هفتگی و مرخصی سالانه با استفاده از حقوق و حتی صحبت از صیانت ارشدن و سرمایه دار شدن کارگران در میان است و شاه وجود استثمار را در کشور صریحاً انکار می کند. ولی سرمایه کاره سه تومین تقاضای ای قانونی کارگران مطرح می شود هشت آهمنین و دویختی سازمان امنیت و پلیس و ژاندارمری را بر مفرز آنان فرود می آورد.

روزنامه آیندگان در شماره چهارم اسفند ماه ۳۵۴ بخود مقاله ای داشت زیر عنوان: "روزگار طرخ آن ها که پسته خندان می کنند". این مقاله سند صراحت کند های است از وضع توده های عظیم کارگران در سالیان سنتی که تمام احوالهای بی شرفانه شاه و اراضیان را در مورد زندگی و کار و متکشان چنین مارد می کند. برای این که تصور نشود مطالب آن نوشته تنها برای زنان و متکشی که در کارگاه مورد بازدید کارگر می گرد مانند صادی است و نویسنده گزارش خود را این طور آغاز می کند:

"کارگران باغ شاه، چای و کارگران قالی بافی و کارگران پسته و کارگران... کارگران همه کارهای سنتی و صنعتی - مشابه هم دارند و وضعی که با بیرون از فراست مساو اقتضای روزگار ما مایلین نیست.

نوکس بکدر بالای مقاله را نگاه کنید که نشان دهنده منظره کارخانه ای است که در شرایط تومین و صیانتی کارگر می کند هالت بفرز و راکند ایشک آلود نویسنده زارتن را می فهمد و چونند هم که روزنامه متعلق به موسسه فرانکلین آمریکایی و آورداننده است. بنیاسوس سیا و عضو هیئت اجراییه حزب رستاخیز باشد.

نویسنده صریحاً چنین ادامه می دهد:

"تمامی پسته استان کرمان را در شرکت سهامی ریک شرکت تعاونی مداخله می کنند و این شرکت تا باپرداخت پانزین تومین رقم مقرر به کارگران کارگاه های خود مسود صنعتی را که تنها در سال گذشته به یک میلیون ریال رسیده است به جیب شرکت و سهامداران خود می ریزند."

"هم اکنون در سالن پسته یک کهی شرکت صادرات پسته کرمان که در دیدار نمایندگان رسانه های گروهی از تأسیسات مس سرشده کرمان به بازدید گذشته شد - شتادین کار و برتری از این با پایچه ای قد و نیم قد به امید تأمین بخشی از هزینه زندگی خود کار می کنند که اگر بتوانند در یک کار تمام وقت بیست کیلو پسته در سن بسته را در روز نندان کنند هفتاد و هریال مزد می گیرند. این کارگران کارشان از مبرماه آغاز می شود و معمولاً تا آخر سال و در سال های برابتر تا اریهشت ادامه پیدا می کند و بقیه سال را می دارند."

نویسنده در پایان مقاله خود می نویسد:

"با این شرایط باید به حال این کارگران که با بیست کارشمان روزی و اوقات فراست سالانه میلیون ریال سود کار خود را به جیب صا بان بند شرکت می ریزند فکری کرد تا آینده آنان نیز مانند روزگار قالی بافانی که سال هسله شیوه زندگی خود را به یکر صاحبان کارگاه اریخته اند نشود."

این بود خلاصه ای از اعتراضات آیندگان درباره وضع کارگران.

سرود پوپوشتن

شعری از مبارز شهید

باید که دست به ارم پاران | خسرو گسرخ
باید که چون خیز بپوشتم
فریاد های ما اگر چه رسان نیست
باید یکی شود

باید تپیدن در قلب اینک سرود
باید گسرخ زین هایتک پرچم
باید که قلب ما

سرود پرچم ما باشد
باید در هر سینه الهیز
نزد یک تو هم
باید یکی شویم

اینان هر اس شان زینانگی ما است
باید گسرخند
الیمه خاخر

از چشم های ما
باید کلمت تشنه
میزبان خیز باشد

باید کور فقر
از چشمه ای شمالی بی نصیب نماند

باید که دست های خسته بپاسانند
باید که سفره ای همه رنگین
باید که خنده و آینه و جای اشک بنیود

باید بهار
در چشم کودکان جاده ری
سبز و شکفته و شاداب

باید بهار را بشناسند
باید جوادیه "بریل" بناشود

بله این شانه های ما.

باید که رنج را بشناسیم
وقتی که دستتو رحمان

باید که تب در سینه می میرد.

باید که دست به ارم پاران!
باید که قلب ما

سرود پرچم ما باشد.

دو گزارش از شرایط زندگی و سمارات

کارگران نوب آهن اصفهان



در کارگرنی گروه کثیری از کارگران اخراجی جمع می شوند. به روسا رهنمود داده شده است که اگر کارگران سوار شوند ، دیگر نمی شود آن ها را بجا ده کرد . مسئله این جا است که نباید گذشت سوار شوند .

وحشت از طبقه کارگر به هنگام دیدار لاله پور شاه از کارخان نوب آهن پیش از حرکت دیگر آشکاری شود . روز دیدار شاه کارخانه به قرارگاه مخوف نذای تبدیل شد مهود . در تمام سیرهای داخلی کارخانه گارد های بزه و ساواکی شاه گروه های غیر مستقر کرده بودند . گروه کثیری از کارگران راه کارخانه راه ندادند . رفت و آمدها را در تمام جاها اطراف متوقف کردند . کارخانه ه تصافت در دست ه در اشغال نذای بود . به این ترتیب شاه به میان کسانی آمد که مدعی است پشتیبان اصلی رژیم هستند ! واقعا به چشم دیدن بیگانگی شاه و کارگران در آن روز تماشایی بود

مجموع نوب آهن اصفهان ده ها هزار کارگر دارد و نزدیک نوب آهن قطب صنعتی کشور است و اما کارگران این مجتمع با مسائل و مشکلات فراوانی روبرو هستند که بیسته ماهه اعتراض و مبارزه آنان می شود . دستمزدها کارگران کم است و کفایت های همین هزینه زندگی را هم نمی دهد . حتی تکسین ها و ...

صند ملن از کمی حقوقی خود ناراضی هستند . دولت در مقابل اعتراض کارگران پشت سر هم تحلی می دهد ولی اجرا نمی کند .

سکن یکی دیگر از دشواری های بزرگ است که در بار آن بر دوش پیش از نوب آهن صد کارگران سنگینی می کند . گرانی اجاره بها و کمبود سکن در اصفهان ه به خصوص برای کارگران غیر بومی ه غیر قابل تحمل شده است . وضع خانه سازی در آریاشهر بسیار ناایمن است . کارهای ساختمانی تعطیل شده ه و ساختمان های دوازده طبقه نه آب دارند و نه آسانسور .

وسيله رفت آمد برای جسمی و روحی بزرگی برای کارگران نوب آهن شده است . هر روز اجتماع طبیعی از کارگران ، نشطگین در جستجوی وسیله ای هستند که خودشان راه سرکار برسند و مصاب خود را در راه کارخانه خود بده نشا را خیر سازند پسیم جریمه تاخیر نیز می بردازند . بهره کسی از کارگران نوب آهن ایجاد وحشتناکی به خود گرفته است . به علت کمی دستمزدها آنان مجبورند اضافه کاری کنند واز ۵ صبح تا ۶ یا ۷ بعد از ظهر گرفتار باشند و مانند جسمی بی رمق به خانه بازگردند .

در قسمت های کارگری غذا خوری وجود ندارد . کارگر خانواده داری که در برابر هشت ساعت کار فقط بیست تیا بیست و پنج تومان حقوق می گیرد ، نمی تواند غذای ه تومان بخورد و بزرگ خانواده هایش گرسنه خواهند ماند .

کارگران دیگر مدت هاست که به انگیزه این ظلم استعمار ابقاتی می برده اند و بین هم پی پی می کنند : " آخر چه دستاورد این که میرو است ه ما این زندگی سگی را داریم اما بالای ما کوه کوه ریخت و پاش می کنند و به جیب می زنند . آخر چرا این هدر اسلحه می خرند و ملخودمان فقیریم اما به کشورهای دیگر فرست می دهند . چه دردی در دند مهمل نداشت چه می شود ؟ "

دولت نیروی فشار قابل ملاحظه ای را در کارخانه مستقر کرده است . گردانتهائی کارخانه ه ماهران سازمان امنیت و زاند ارم ماکه گروه های شریقی در مقابل ه تلفات کارخانه دارند ه هر روز جلوی چشم کارگران تیرین می کنند تا آنان را بترسانند . همه این ها از روی قصد به کارگران توپین میکنند و زهری گویند .

کارگر به کمترین بهانه ای اخراج می شود . هر روز جلو

۲

مبارزه کارگران نوب آهن اصفهان در شهر فلاورجان

شهر فلاورجان میان کارخانه نوب آهن و شهر اصفهان قرار دارد و نزدیک به چهار هزار نفر از کارگران نوب آهن با خانواده های خود در آن زندگی می کنند . اکثر کارگران مزبور محلی نیستند و به خاطر گرانی اجاره بها در اصفهان ونداشتن سکن در کارخانه به زندگی در این شهر تن در داده اند . برای این انبوه عظیم کارگری تنها سه اتوبوس سرویس پیش بینی شده است . از این رو است که کارگران فلاورجان پیش از دیگر شکاران خود در روز جزا تاخیر و فحیت ناموجه می بردازند .

روز چهاردهم بهمن ماه سال گذشته کارگران فلاورجان تصمیم گرفتند که با این وضع تحمل ناپذیر سه هفته ای جدی ببردازند . خبر گوش به گوش گشت و صبح روز بعد تمامی کارگران فلاورجان اعتصاب کردند و سوار اتوبوس های سرویس نشدند .

شهر کوچک فلاورجان به وسیله یک کوچک و باریکی به جاده اصفهان وصل می شود . لکه مرکزی شهر مقابل پست قرار دارد . کارگران ابتدا در نظر جمع شدند اما هنوز صدای اعتراضی از آن ها بر نخواست ه و اندام تا سحر رسیدند . کارگران باغ و سردی خواست و مشکلات خود را با یکایک واند ارم ه در میان گذاشتند و تاکید کردند که قصد دیگری جز تهیه وسیله نقلیه برای رفتن به محل کار خود ندارند ولی مسئولان واند ارم به افرادی دستبورد اد کارگران را متفرق کنند . کارگران با اجتماع در برابر فلاورجان رابطه شهر را با خارج قطع کردند . همین که حطه واند ارم ه آغاز شد ، برای آن ها نیروی کمی رسید . کارگران

رویدادها

۱- اعتصاب کارگران

اعتصاب کارگران کارخانه ایران سیلندر در تهران

دراوا: رآبان ماه سال گذشته کارگران کارخانه ایران سیلندر در تهران مبارزه اعتصابی پنج روزه موفقیت آمیزی را پشت سر گذاشتند. مبارزات این قرار بود کن کارگران با توجه به شرایط شوار کار و پیش و بهره کشی بی بند و بار و فوق العاده در کارخانه در دست راست گردند به جای یک ماه حقوق به عنوان سود ویژه درازا شش ماه کار و معادل دو ماه حقوق به عنوان سود ویژه برای مدت شش ماه به آن پرداخت شود. بدیهی است این تقاضا با مقاومت کارفرمایان روبرو گردید و عملاً نادیده گرفته شد. کارگران کارخانه ایران سیلندر و در مبارزه با کارفرمایان جماع خود تجربه تلخ و پندآموزی داشتند. آن سال گذشته برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده بودند ولی اعتصاب سه روزه به علت سستی اتحاد و کمبود تجربه با شکست روبرو شد و نمایندگان کارگران به نام حاجیان از کارخانه اخراج گردیدند. در اعتصاب نادر سال قبل کارگران موفق به کسب کمترین امتیازی نشدند و حتی یکی از کارگران به عنوان اعتراض نومیخدا به روی کارگری کارفرما که از پشتیبانی همجانبه می رنجید رژیم برادر بود دست به خودکشی زد. دوستان از او نجات یافتند. شکست اعتصاب سال قبل درس

خوبی به کارگران داد و آنان با ارزیابی نقاط ضعف و قوت این اعتصاب در اواخر آبان ماه سال گذشته مبارزه جدیدی را به دست گرفتند. افزایش سود ویژه آغاز کردند. کارگران این بار در کارخانه حاضر شدند و در پشت ماشین ها قرار گرفتند اما کار نکردند و اگر کار کردند بازده آن قدر ناچیز بود که اصلاً به حساب نمی آمد. کارگران از میان خویش کسانی را مامور کرده بودند تا گوی به زندگ باشند و عهده نگاه نمایند و وزارت کار با مامورین امنیتی به سراغ شان آمدند و آن ها را مطلع کردند تا در برابر آن ماهه کارهای خود بپردازند. در پنجم روزی که اعتصاب کاملاً حساب شده کارگران ادامه داشت مبارزه کار در کارخانه از یک دهم روزهای معمولی هم پائین تر آمد. این وضع برای کارفرمایان قابل تحمل نبود و اولیاء کارخانه سرانجام در برابر مبارزه متشکل و یک پارچه کارگران عقب نشینی کردند و سود ویژه یک ماهه آن ها را از یک ماه حقوق به یک ماه و نیم افزایش دادند و تعهد کردند به زودی آن را تا معادل دو ماه حقوق بالا ببرند. در کارخانه ایران سیلندر حدود ۳۰۰ کارگر کار می کنند که همه آن ها در اعتصاب شرکت داشتند.

۲- اعتصاب کارگران کارخانه های نساجی

شهنار و نساجی پشمیاف

کارگران کارخانه های نساجی شهنار و نساجی پشمیاف دست به اعتصاب زدند و علی رغم حملات سازمان امنیت کسب موفقیت کردند. این کارخانه ها به عهد انیان تعلق داشت که شاه از دست او گرفت. از وضعی که اداره کارخانه ها به دست دربار و دولت افتاده فشار به کارگران تشدید شده است. بیش از یک سال بود که سود ویژه کارگران را نمی پرداختند. سرانجام کارگران شهنار دست به اعتصاب زده و جلوی کارخانه اجتماع کردند که در میان همه کارگران اصفهان انعکاس وسیع یافت.

کارگران پشمیاف نیز به اعتصاب دست زدند. مدت پیرت کارخانه با پرداخت شش ماه سود ویژه مواظقت کرد و اعتصاب موقتاً پایان یافت. اما سواً به بهانه های گوناگون تعداد کثیری از کارگران را دستگیر کرد. آنگاه کارگران برای آزادی رفقای خود بار دیگر دست از کار کشیدند و سر از چند روز - سارا اجباراً عقب نشست و اکثر کارگران دستگیر شده را آزاد کرد. در جریان اعتصاب فوکت، امی به امضای جزئی بوده ایران در میان کارگران منتشر شد که با استقبال گرم آنان روبرو گردید. البته کارگر اصفهان که در پایه گذاری و تحکیم حزب پیشاهنگ طبقه کارگر عزیز بوده ایران نقش فعالی داشته امروز نیز در کارهای سیاسی سازمان های حزب و گسترش سازمان های

زیر دست به آسانی تسلیم سرنیزه و زور شوند. آن ماه حقانیت خواست. ای خود ایمان داشتند. آتش مقاومت شعله کشید. از این رو چند تن از مقامات دولتی و نیز مسئولان سارا، خود را به جیل دادند رساندند. زاران کارگر و خشکین در حال نبود یافتند آن بودند. صحنه باشکوهی بود. نگامی به وضع نشان می داد که بازو کاری از پیش نمی رود، مگر این که جنوی خون جاری شود. از این جهت نوکران رژیم از در دیگری وارد شدند و به کارگران قول دادند که ماشین به اندازه کافی در اختیار آنان بگذارند. پس از مدت ها کشاکش کارگران پل را باز کردند و به سال اتومبوس، مینی بوس و اتومبیل سواری که در این مدت درد و غم طرفداران توقیف کرده و سر نشینان شان تا برای مبارزه باشکوه کارگری بودند و امکان دادند تا به راه خود ادامه دهند.

نیز پیروز شدند. زاران کارگران در میان سارا در اصفهان، شیراز و سایر شهرها مجدداً و متناً در یک بازتاب گسترده را یافتند. در پایان ریه آموزی از این اقدام یک پایه و صحنه می گفتند: جز اوقتی است. این پیروزی کارگری ریه جدیدی می بخشد و آن که در زیر سنگین ترین فشارهای پلیسی و در شرایط استثنای وحشیانه و کارگران آن بصورتی استقامتی شده داده است.

انقلابی فعالانه می‌کشد.

۳- انتصاب کارگران تراکتورسازی تبریز (آذرماه ۱۳۵۴)

کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز برای افزایش دستمزد و سایر پهنمایی از کارگران له‌واج شده کنگره انجمن دست به انتصاب زدند. غیر از ۱۵۰ روزه و دو صد مانی اولیاء کارخانه برای مصروف کردن کارگران از بهارزبولی و از سرگرفتن کار تاکنون به نتیجه نرسید.

چندی پیش از آن کارگران کارخانه تراکتورسازی تبریز با درخواست های اقتصادی دست به انتصاب زدند که مسئولان کارخانه با هیچ دروغ‌گویی نتوانستند بر آن قانون آیند. اما سرانجام آن انتصاب به لغو راج گویس از کارگران انجامید. اینکه کارگران کارخانه تراکتورسازی با انتصاب به حمایت از برادران له‌واجی خود برخاسته و بازگشت آن تارابه سرکار خواستار شده اند.

۴- انتصاب کارگران فولاد اراک

در حدود هزار کارگر کارخانه فولاد اراک از اول آذرماه دست به انتصاب زدند که چندین هفته طول کشید. علت انتصاب کارگران کارخانه فولاد اراک اعتراض مسئولان بود در این آنگار که مبارزه آگاهانه ای با کارفرمای چپاولگر خود آغاز کرده بودند به توجه به شرایط اختلافی ایران و دزدی ها و وحشیگری پلیس ساواک در برخورد با خواست های کارگری و انتصاب خود را به این نحو سازمان داده بودند آه در سر کارخانه می شدند اما کم کاری کردند و با اشتباهات و غفلت های عادی در جریان کار وقت ایجاد می نمودند و معطل کار اصرار تا سطح زیادی پائین می آوردند. جفر شاه به وزیرستان و دیدار او از کارخانه فولاد اراک در حالی انجام گرفت که صد کارگر در حال انتصاب بودند.

۵- انتصاب کارگران قد بدر سیر کرمان

شهرستان کوچک قد بدر سیر و نزدیک کرمان در اوایل دی ماه سال گذشته شاهد یک انتصاب پر شور و شکست انگیز کارگری بود. چهارصد تن از کارگران کارخانه قد بدر سیر با تقاضای متعدد در مصوفی فشرده و نظمی آنگین از محل کارخانه به راه افتادند و شش کیلومتر فاصله کارخانه و بنداری را پیدای پیچوند تا انتظام حجت خود را درباره تغییر عمده در شرایط انسانی و فارتکرانه کار خود در میان بگذارند. نام یک پاره و حرکت مصمم کارگران شهروستان کوچک قد بدر سیر با تکیه بر گروه های بنفکی از مردم را نسبت به کشیک های مصمم به مدد ری با کارگران انتصابی کشاند.

بخشد اریدر سیر وقتی با انبوه کارگران خشمگین و جمعیست کشوری که به یاد آری آن راه را بر بخشه آری اجتماع کرده

بودند و بر سرشده چهارم ای جز نرض و ط اکثر نهافت.

نمایندگان کارگران خواست عمای خود را به این شرح با بخشند اردر میان گذاشتند:

• ماه جای عفت سلامت کار میروانند و از به سلامت کاری کنیم و چهار ساعتان بگیری است. برای این چهار ساعت انیاف کار اجباری دیگری به مانی دندند. با باید این بگیری قطع شود و با باید انیاف تاریخی هموافق قانون کار به مایر دلت گردد و روزهای جمعه ما مجبور به کار هستیم. این مغایر قانون کار است. کار اجباری جمعه ها باید قطع شود و دستمزد مادر حدود ۲۵۰ تا ۴۰۰ تومان است که هیچ انیاف حقوقی و انیاف کاری بر آن افزوده نیست خود. با توجه به گرتی روز افزون ما محتاج زندگی و این مبلغ فقط تکافی گرایه مسکن را می دهد. در باره افزایش حقوق ناچیز ما باید شرایط زندگی و سطح کنونی قیمت ما محتاج ما در نظر گرفته شود و هفت درصد از حقوق ناچیز ما بابت بیمه کمر می شود بی آن که کترین خدمات -

بهداشتی با درمانی در اختیار ما قرار گیرد. کارگران جدا می خواهند که امکان استفاده از پزشک و دارو و درمان برایشان فراهم شود و ضابط ماهه از کارخانه بسیار دراست. از این جهت ما گریه از حقوق ناچیز خود را بابت هزینه رفت و آمد بپردازیم. باید در مورد سازمان دادن سرور -

حطل و نقل رایگان از طرف کارخانه اقدام فوری شود.

بخشد آریس از شورت با رئیس ژاندارم و در سیر رئیس

کارخانه از کارگران چند روز فرصت خواست تا به خواست های آنان جاه عمل بپوشاند. کارگران سه روز مهلت دادند و اتمام حجت کردند که باید در این مدت رسیدگی کامل به خواست ما و تحقق بکایک آن را انجام گیرد.

با توجه به خواست های کارگران کارخانه بدر سیر که تازه در صورت عملی شدن یک زندگی محروم سختی را

برایشان میسر می کند می توان وضع توده های عظیم کارگران را در سرزمین بخت و پرنهضتی که به قبل آریا میسر می شوم

به دروازه تمدن بزرگ رسیده و مجسم کرد.

۶- انتصاب کارگران بخشی از مجتمع فولاد اراک

در حدود اوایل بهمن ماه در کارگاه سیمت کارخانه آلمانی که یک قسمت از مجتمع فولاد اراک را می سازد کارگران دست به انتصاب زدند و نسبت به حقوق خود اعتراض کردند تا جایی که با ابزار تنفر از کارفرمایان آلمانی و امریکایی فریاد می زدند که چرا یک آلمانی ده برابر یک شخص ایرانی پول می گیرد و در صورتی که ده کارنارا ایرانی ما انجام می دهند و قبل آن ما اول صبح می آیند تا ساعت ده و فقط ما میهنه من توی دفتر می نشینند و بعد خود حافظه فردا.

مدای کارگران و تنگسین با بالا گرفت و میهنه من را دستنچاچه کرد. اول سعی کردند با زبان و وحده و وحده کارگران را به سرکار برگردانند. اما کارگران بیشتر مصممانی شدند و

که شایع است روساز، حزب رستاخیز تمام بودجه راه جیب زد ماند.

۱۴- انتصاب کارگران صیانت تهران

کارگران کارخانهجات ساختمانی صیانت تهران در درجه آخر اسفند به مدت سه روز برای دریافت حقوق و اجور اولاد که همیشه دریافت می داشته اند و بلی در سال گذشته مسئولین امور از پرداخت آن خودداری کرده بودند دست به انتصاب زده و از کار امتناع کردند. کار به بحالت ماندن ازاگشید و انتصاب را شکستند. کارگران این کارخانه به علاوه بر آن که حقوق خود تقاضای خود را دریافت نکردند تا مدتی حتی حقوق های در درازنیز دریافت ننموده بودند.

۱۳- انتصاب کارگران شرکت ساختمانی ایمانا

عیدی کارگران شرکت ساختمانی ایمانا، شرکت قلمه کاری که کارهای ساختمانی مجتمع فولاد اموانرا انجام می دهد پرداخت نمی شود. روز بیست و ششم اسفند کارگران صبح جمع می شوند و با صندل و عیبی مذکور می کنند. صندل رفعاشی می آید و کارگران نیز واکنش نشان می دهند؛ ژاندرمری خبر می شود و ژاندرمری همه نفر را دستگیر می کنند. روز بعد صندل کارگران جمع می شوند. نمایندگان کارگران با نمایندگان شرکت مذاکره می کنند ولی این مذاکره به جایی نمی رسد. ژاندرمری همه نفر را دستگیر می کند. قرار می شود بعد از عید صندل را پرداخت نمایند. در این مدت شرکت شروع به اخراج کارگران می کند. تاکنون حدود بیست و یک کارگران را اخراج کرده اند. از کارگران دستگیر شده سه نفر آزاد کرده اند و از سه نفر دیگر خبری نیست.

۱۴- انتصاب کارگران کارخانه کونی باقی رشت

در کارخانه کونی رشت به کارگران جمعا پنجاه روز حقوق بابت با دیش و سود و بهره پرداخت نشده که کارگران به عنوان اعتراض به کمی آن و همچنین برای افزایش دستمزد یک روز اعتصاب کردند.

۱۵- انتصاب کارگران صنایع پشم اصفهان

کارگران صنایع پشم اصفهان که در روز قبل از عید دست به اعتصاب زده بودند پس از عید نیز اعتصاب خود را ادامه دادند. اما اخیر از نتایج این اعتصاب خبری نداریم.

صنایع پشم اصفهان یکی از کارخانه های مهم و معتبر کشور است. این واحد پشم صنعتی که از صنایع عده تهیه پارچه ایران است در تمام بیست و چهار ساعت به کار اشتغال دارد و کارگران با حقوقی که در شرایط امروز به هیچ وجه تکافی زندگی ساده آن ها را نمی کند در صفت شایسته با سه نوبت هفت ساعت به کار گرفته می شوند. شرایط

کارآنان دشوار و دستمزدشان ناگافی است. صاحبان پشم اصفهان در اوایل سال گذشته ناگهان وضع شیفت بندی کارگران را به هم زدند و مقرراتی تعیین کردند که بر اساس آن مدتی شیفت شب و مدتی بر شیفت روز کار کنند. با این تصمیم بر شدت استثمار کارگران افزوده شد. کارگران می باید مدت باز هم بیشتری وقت صرف رشت و آمد کنند و همواره در خدمت کارخانه باشند. عده ای از کارگران این وضع تحمل نکرده و کارخانه را ترک کرده اند. غیبت این کارگران فشار کار را به کارگران باقی رشت کارخانه افزایش داده و نحوی که در آخرین ماه های سال گذشته هر کارگر مجبور بود به جای یک ماشین صندل و ماشین را به عهده بگیرد. این تکلیفی شاق و تقریبا تحمل ناپذیر بود. کارگران از صاحبان کارخانه خواستند حالاکه کار آن ها در برابر شده و دستمزد های آنان را به همان ترتیب بالا ببرند. به علاوه آن ها اعلام کردند که با توجه به سود سرسام آور کارخانه در سال گذشته و دوران سه ماه سود ویژه و پاداش شب عید هستند. و نا امنی که تقاضای آن ها به طور کامل تحقق نیابد دست از کار خواهند کشید. انتصاب کارگران از روز به عید مانده شروع شد. کوشش کارفرما به اشکال مختلف برای مخفی کردن اعتصاب به جایی نرسید. و پس از تعطیلات نوروز نیز کارگران اعتصابی از حضور در کارخانه خودداری کردند. این اعتصاب در آغاز فروردین ماه اصلا واحد و عظیم صنایع پشم اصفهان را حلا طغ کرد.

۱۶- اعتراض و اعتضای جمعی از زندگان نوب آمین

در نیمه اول فروردین ماه ۴۰۰ نفر از زندگان نوب آمین اصفهان به عنوان اعتراض به کمی دستمزد و شرایط سنگین کار به طور جمعی استعفا کردند. زندگان درجه یک نوب آمین روزانه ۵۰۰ ریال و سایر درجات ۲۴۵ تا ۳۰۰ ریال دستمزد می گیرند که برای تامین هزینه کمترین زندگی کافی نیست. در ضمن لباس کار و سایر مزایا نیز به آن ندادند نمی شود که خود موجب اعتراض زندگان است. به علاوه از زندگان روزانه دو دوازده ساعت معنی چهار ساعت انباشته کاری کنند و آنان مجبورند درجه های پایینتر با جان خود بازی کنند.

۱۷- انتصاب کارگران کارخانه لوله

و ماشین سازی اصفهان

کارگران این کارخانه از اوایل فروردین ماه دست به اعتصاب زدند. انتصاب آنان مدت نوزده روز ادامه یافت و با موفقیت پایان پذیرفت. کارگران توانستند اضافه دستمزدی را که تقاضا می کردند کسب کنند.

۱۸- انتخاب کارگران بی افتادگی

در این کارخانه حدود ۲۴۰۰ کارگر در سه نوبت کاری کنند و در ساعات بالا بر از آگاهی و مصمتگی لبقاتی قرار دارند که نمونه آن انتخاب محدودی آن ها با کارگران انتخابی کارخانه لوله سازی است که در جاده کرج رزروی کارخانه بی افتادگی گورین قرار دارد.

- ۱- افزایش دستمزد به میزان سی درصد
- ۲- لغو تصحیم کارفرما در اثر به افزایش ساعت کار روزانه از ۸/۵ به ۹/۵ ساعت
- ۳- لغو تصحیم کارفرما به بالا بردن واحد تولید در واحد زمان که موجب شده به بهره کشی از کارگران است
- ۴- لغو جریمه فیهیت که دو برابر دستمزد ساعت پاریز فیهیت است

۵- متوقف کردن جریان ادراج کارگران با سابقه و استخدام کارگران جوان و تازه کار با دستمزد کمتر. علی رغم حملات پلیم که منجر به دستگیری چند تن از کارگران شد کارگران تا چندین هفته به مبارزه ادامه دادند.

۱۹- انتخاب کارگران کارخانه ارب

کارگران این کارخانه در اردیبهشت ماه دست از کار کشیدند. آن ماه کمی دستمزد بهیذ غذا افزوده بودی کارخانه که پول آن از دستمزد کارگران کسری شود استراحت داشتند و استان به بود شراب کار بودند. تا سیسات ارب بهیذ از سه هزار کارگر دارد. و اندامری محل پس از الاج از آغاز انتخاب کارخانه را محاصره کرد تا جلوی تا اهرات نمایانی کارگران و با حرکت دسته جمعی آنان راهسوی تهران بگیرد. شایع بود که کارگران برای چنین حرکت دسته جمعی آادسی شوند تا اعتراضات خود را به وزارت کار برسانند. محاصره کارخانه با واکنش شدید کارگران روبرو می شود. آنان از کارخانه خارج نشدند اما بالاخره عوقی کردیدند که موافقت مدیریت کارخانه را با برخی از تقاضای خود جلب کنند.

۲۰- انتخاب کارگران کارخانه بوتان گاز

کارگران کارخانه بوتان گاز که اکثر آن ها دستمزدی بین دوازده تا پانزده تومان در روز دارند و چندین نوبت دست به انتخاب زدند. آنان با استاری درصد افزایش دستمزد بودند. غیر خالصگی از آن است که مدیران کارخانه با تقاضای کارگران موافقت کردند اما ساواک موافقت نکرد و خواستار شدت عمل شد. ساواک دستور داد که همه کارگران انتخابی به عنوان کسانی که گویا به عمل خویش کار خود را ترک کرده اند و ادراج شده به حساب آیند و هیچ حقی

به آن داده نشود. طبق دستور ساواک از اول خرداد ماه رفتی در کارخانه گذاشته شده که از نو کارگران انتخابی را اگر به سرکار برودند به عنوان کارگر جدید الهیود اسم نهیسی کنند. دستمزد جدید کمی بالا تر از دستمزد قبلی است اما همه سوابق و مزایای کارگران از میان می رود.

ماططینیم که کارگران ایران برای مقابله با شدت عمل ساواک اقدامات لازم را به عمل خوانند آورد و سازمان های پنهانی وطنی خود را بازم بهیشتتر تحکیم و واحد کرد و به همیشاری خود خوانند افزود. شدت عمل سازمان امنیت نمی تواند در محیط های کارگری که در آن ضایع سرمایه داران به طور مستقیم زیر سره قرار دارد موثر باشد و با هیچ گونه شدت عملی نمی توان کارگری را که روزانه کمتر از بیست تومان دستمزد می گیرد و بیاز وسیب زمین را کیلوی پنج تومان می خورد به کار اجباری واداشت.

۲۱- انتخاب کارگران کارخانه چینی سازی مینا

کارگران این کارخانه واقع در شهر کیموتی قزین به عنوان اعتراض به شرایط انتخاب کار و این بودن دستمزد در اردیبهشت ماه دست به انتخاب زدند و به طور دسته جمعی برای لکه با مدیر کارخانه به جلوی ویلای او رفتند. در آن جا تظاهرات وسیعی انجام گرفت اما مدیر کارخانه با دعوت و اندام ها به جان کارگران افتاد. هم گسون ویلای مدیره اور داعی زیر محافظت ماهیون گسست و اندامری قرار دارد.

۲۲- انتخاب کارگران کارخانه سیمان تهران

مد ها کارگر کارخانه سیمان تهران چندین بهیشت دست به انتخاب زدند. در این خواست های کارگران اینان دستمزد قرار داشت زیرا برای مردم عادی و به ویژه زحمتکشان کشور با دستمزد های کوفی امکان زندگی حتی در بهترین ترین سطح توقع به سختی امکان پذیر است. قیمت ها علی رغم ادعای مقامات رسمی کشور با سرعت چنین آهزی ترقی می کند و تمامی فشارها در حساب آخر بود و ش کارگران و زحمتکشان است. کارگران سیمان پس از آن که تمام تقاضای ایشان رد شد دست به آهین حربه یعنی انتخاب زدند و امسار نمایانی که هم نوبت انتخاب با سونیزه رژیم خونخوار ساواک روبرو است و کارگران بر سر کارخانه شدند اما کم کاری کردند و آنگاه که امسار کارفرما از حد گذشت با سهیل انگاری های عادی باعث توقف تولید گردیدند. کارخانه عملا از کار افتاد و کاملاً طح بود و در نتیجه در میزان تقاضای مشتریان تجدید نظر شد. سرانجام کارفرمایان مجبور شدند با قسمتی از خواست های کارگران موافقت کنند. اما به قرار اطلاع حد های نیز دستگیر شدند.

پرولتاریا برای به دست آوردن قدرت حاکم میباید سلاح درگی خود را سازماندهی از طریق لایسی ند آورد و لیکن

۲۳- اهتصاب کارگران معدن نغال سنک، شامرو

کارگران معدن نغال سنک شامرو از صبح روز شنبه ۱۸ خرداد ماه اهتصاب گسترده و مصی را آغاز کردند. پیش از هزار کارگر معدن در این اهتصاب شرکت جستند. کارگران خواستار برقراری مجدد اضافه کار خویش بودند که ناگهان بدون دلیل قلیح شده بود. بانوجه به هزینه سوسام آه روز افزون زندگی و بانوجه به قیمت های نامعقول - ما محتاج روزی از جمله مسکن و بهداشت و غذا و حمل و نقل و نیز بانوجه به سطح بسیار ناازل دستمزده کارگران این اضافه کار برای کلیه کارگران نقض حیاتی دارد. کارگران برای برقراری مجدد اضافه دستمزده خود پیشنهاداتی به مسئولان معدن دادند اما اصرار و ابرام آن با بابایی تفاوتی بی اهتصابی کامل رویو شد. چند تن از مهندسان خود فروخته معدن که در واقع عمال دولت هستند در کنار همشود حدهای کارگران کارشکنی می کردند. سرانجام برای کارگران معدن نغال سنک که در سخت ترین و خطرناک ترین شرایط کار هستند چاره ای جز اهتصاب باقی نماند. آن باپاشنگ و یک پارگی کپنظیری اهتصاب خود را آغاز کردند. کلیه کارگران به اهتصاب پیوستند. اما ماموران خود فروخته دولت با پرخاش و تهدید و کارشکنی به مقابله با کارگران اهتصابی برخاستند. کارگران پس از این برخورد به شدت عصبانی شدند و ژاندارم ها به مصیبت افراد ویژه ساواک کارگران اهتصابی را زیر نظر قرار دادند. کارگران مصحمانه برای تحقق خواست های حقیقی خود تاحد ممکن به مبارزه یک پارچه و جدی خود ادامه دادند. تضحی از نغال سنک، نوب آهن آریامهر از معدن نغال سنک شامرو که نزدیکی شهر شامرو قرار دارد، تامین می شود.

۲۴- اهتصاب کارگران کوره بزرگانه های تهران

هدهای از کارگران کوره بزرگانه های تهران روز سه شنبه ۱۱ خرداد ماه دست به اهتصاب زدند و با در دست داشتن پرچمی در جلو از محل کوره ها به سمت سندیکا حرکت کردند. خواست کارگران اضافه دستمزده بود. سال گذشته بعد از سرمردای زیادی که پیرامون تثبیت قیمت ها برپا شده قیمت آجرها به حساب کامیون دستمزده کارگران کوره بزرگانه ها پایین آوردند که ضجر به اهتصاب کارگران در اواخر مهرداد شد. اهتصاب با مجبور و عشیانه گوناگون و های ارتشی و مجبور شدن هد های و بازداشت هد های دیگر از کارگران فرورشانده شد. اکنون که قیمت آجر در بازار بالا رفته و از نزاری ۱۲۶ تومان به ۵ نزاری ۲۰۰ تومان رسیده است و کارگران در خواست می کنند که در دستمزده آن مانع تجدید نظر شود و متناسب با افزایش قیمت آجر بالا رود. از توجه اهتصاب حتما خبری در دست نیست.

۲۵- پنج تن از کارگران نوب آهن قربانی شدند

روز ۱۸ اردیبهشت ماه پنج تن از کارگران نوب آهن که برای انجام کاری غیر از تخصص خود در قایقی نشاند شده بودند غرق شدند. این خبر در روزنامه های ناز درج شد ولی ادعا شد که گویا کارگران قصد تفریح با قایقی داشتند اما واقعتا حادثه این است که نه تن از کارگران نوب آهن لحبق دستور شیبانی در ساحل نوب آهن در یک طبق کویک نشاند شده بودند تا دیوارهای دریاچه ای را که ایشان برای باشگاه از ما بهترین ساخته اند رنگ کنند. قایق در حین کار بر می گردد و پنج نفر از آنه نفر سرشیر آن غرق می شوند. باشگاه مزبور با بودجه سازمان نوب آهن ساخته شده و قرار بود مادر فرج برای باز دید از آن بیاید. اما در مصیبت وقت آب زاینده رود بالا آمده و کوی مضاره آن را خراب کرده بود. لحبق دستور شیبانی کارگران ساختمانی و هد های از کارگران سایر قسمت های نوب آهن را به محوطه باشگاه فرستند و شب روز به کار و ای دارند تا برای پذیرایی صادر فرج دیبا آماده باشد. در همین جریان بود که پنج تن از کارگران جان باختند. این حادثه باعث تاسف شدیده کارگران نوب آهن شده و در میان کارگران امضهان موجی از غمخیزم برانگیخته است.

۲۶- خبری از کارخانه پارس توشیهای رشت

این کارخانه دو هزار نفر کارگر و کارمند دارد. و در صد سهام کارخانه و صد درصد بهریت کارخانه در دست سرمایه داران واپنی است که حاصل زحمت کارگران ایرانی را غارت می کنند. پیش از ۶۰ درصد کارگران کارخانه رازنان تشکیل می دهند که دست زدن آنان پیرا سه ماه کار پانزده تومان است. و کفتر زنی پیدا می شود که دستمزده ش به بیست و پنج تومان برسد. وضع کارگران مرد نیز تقریبا همین طور است. تها تمه ادکی از آنان که کارشان به تخصص و نیروی بدنی بسیار زیاد نیاز دارد ممکن است پس از سه چهار سال سابقه به سی و پنج تومان در روز برسد. متوسط دستمزده در کارخانه کمتر از بیست تومان است. اغلب کارگران در خارج از شهر زندگی می کنند و چون کارخانه سرورس ندارد ماهانه ۹۰ تومان کرایه رفت و آمد می دهند. کرایه اتاق به طور متوسط سیصد تومان است و به این ترتیب از دستمزده کارگر ما مانده دست تاسیصد تومان برای تمام هزینه های دیگر باقی می ماند. در حالی که گوشت پسخ زده کیلویی ۱۵ تا ۲۰ تومان تخم مرغ کیلویی ۷ تومان و نان نازغوب کیلویی ۱۴ ریال است. کارگران این کارخانه بهرینز پیش به حقوق خویش آمنسا می شوند و روحیه مبارزه جویانه کبترش می یابد.

■ اختصاص مدرسه عالی سمنان ■

در آذرماه ۹۰ در مدرسه عالی سمنان اختصاصی سازمان داده می شود. پلیم به مدرسه عالی می ریزد و با دستگیری دانشجو تلاشی می کند اختصاصی را سرکوب کند. به علاوه تمام تحصیلی را هم طغی می کند. علت اختصاص این بوده که برخلاف پیمان قبلی مدیریت تصمیم می گیرد که این مدرسه عالی را به وزارت آموزش و پرورش وابسته نماید و فارغ التحصیلان معلم شوند. دانشجویمان زیر بار نرفته خواستارند که مدرسه عالی سمنان وابسته به وزارت علوم و آموزش عالی باقی بماند.

■ نوبت پلیم با فرمانروایان ■

در حومه اصفهان و روبروی دانشگاه اصفهان منطقه نسبتاً وسیعی است که محل سکونت مردمی است که از سال ۸۰ پیش در آن جا تکه زمینی خریده و در آن خانه ساخته اند. کمی بالاتر از این منطقه حدود یک سال است که یک پایگاه رادیویی ساخته شده و اکنون نیروی هوایی به مالکان خانه های این منطقه فشار آورده که خانه های خود را به قیمت بسیار ارزان به نیروی رادیویی بفروشند تا در اختیار افسران پایگاه مذکور قرار داده شود. چندین هزار نفر از اهالی محل به عنوان اعتراض به این اقدام در جلوی استانداری اصفهان جمع می شوند و خواستار لغو این تصمیم نیروی رادیویی می گردند اما مأموران پلیس - آرمی - شاه به صورتی هجوم برده و آن هزاران مرد شرب و شتم زاری دهند و متفرق می نمایند.

■ محسن یلفانی زیر شکنجه جلا در رژیم است ■

محسن یلفانی نویسنده سرشناس و محبوب که طی است زندانی است و اینک تحت شکنجه های سخت قرار گرفته و جلا دران بر او فشارهای جسمی و روحی بی سابقه ای وارد می کنند. جان محسن یلفانی هاین ادیب صاحب نام ایرانی و نویسنده نمایشنامه "آموزگاران" که با آن همه استقبال گرم روبرو شده و در خطر است.

جلا دران که همه مردم ایران همه روشنفکران ایرانی نسبت به توطئه ای که رژیم صغیرشاه و تبه کاران ساواک دیده اند، نهایت خشم و اعتراض و تندی را بیان نمایند محسن یلفانی به همراهی نویسندگان و هنرمندان دیگری - محمود دولت آبادی، سعید سلطان پور، ناصر رحمانی نژاد - توقیف و به حبس محکوم شده بود. اینک جلا دران قصد جان او را کرده اند. باید گوشش شود تا دست جلا در قطع گردد.

مردم ایران! بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی در برابر دشمنان شاه مبارزه کنید!

■ گزارشی از زندان قصر تهران ■

چندی پیش افراد گارد پلیس به بند ۸ ریخته و زندانیان سیاسی را به بندت مشروب و مجروح کرده اند به طوری که عده ای از آن ها به بیمارستان انتقال یافته اند. خانواده های زندانیان سیاسی که چند روز پیش از این هجوم وحشیانه برای دیدار فرزندان خود رفتند جای زخم را بر صورت آن ها مشاهده کرده اند. بهانه این صحنه در فضائات کما میز این بود است که مدیریت زندان طبق دستور سازمان امنیت می خواسته است - زندانیان سیاسی را مجبور کند تا در همه مواقع و حتی در موقع ملاقات با خانواده لباس مخصوص زندانیان را بپوش کنند. در حالی که چنین چیزی هرگز در زندان های سیاسی رسم نبوده و شیوه پلیس آلمان فاشیستی در اردوگاه های اسیران است.

رژیم ایران طاسفانه کمترین حقوقی برای زندانیان سیاسی قائل نیست. شاه که شخصیت زبون و روحیه ضعیف کن دارد و هر وقت که دستن از همه جا کوتاه می شود می گوشت تا خشم خود را با هجوم به زندانیان سیاسی که اسیر دست او هستند خاموش کند. اما به صورت جنبش انقلابی ایران رو به اوج می رود و با این گونه جنایتکاری ها نمی توان راه آنرا بست.

رادیوی پیک ایران

بانک رسای طبقه کارگر ایران و وجدان پدیدار همه آن نیروهای ایرانی است که در راه استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی صحنه ما مبارزه میکنند. رادیوی پیک ایران همه روزه بر روی صوت بر روی امواج کوتاه رادیو ۲۵، ۲۶، ۳۱ متر از ساعت ۷ و از ساعت ۸ بعد از ظهر به زبان فارسی برنامه پخش میکند. به آن گوش کنید و شنیدن آن را به همگان توصیه نمائید.

برانداختن رژیم استبدادی و هدم صردی شاه خواست مردم همه مردم ایران است. حزب توده ایران از همه نیروهای مردم فاشیستی و تجدیدگشایی دعوت میکند که برای مبارزه بر ضد رژیم کثیف در یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری همکاری نمایند.

اسلحه کارگران مبارزات وسیع صنفی، سیاسی و طبقاتی است